

بازیابی هویت فرهنگی - اجتماعی محله خیام شهر ایلام

با رویکرد شهرسازی مشارکتی

منصور منصوری^۱

چکیده

امروزه در برنامه‌ریزی‌های از بالا به پایین، اصل مشارکت مردمی و توجه به نیاز ساکنان، نادیده گرفته می‌شود. در راستای این بی‌توجهی‌ها، شاهد آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در سطح محلات شهری هستیم. در این پژوهش، محله خیام در شهر ایلام، برای به‌کارگیری رویکرد مشارکتی در تدوین طرح راهبردی پیشنهادی برگزیده شد. مقیاس تحلیل در پژوهش حاضر، محله شهری و محدوده مطالعاتی آن، ناحیه ۴ از منطقه یک طرح تفصیلی مصوب ۱۳۹۵ ایلام بود. این پژوهش با ماهیت کاربردی و با بهره‌گیری از روش‌های توصیفی و تحلیلی انجام شد؛ به این ترتیب که با مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعه اسناد و طرح‌های مصوب، مشاهده میدانی، بروزرسانی آمار و نقشه‌های مورد استفاده، بهره‌برداری از استانداردهای موجود برنامه‌ریزی و طراحی شهری و ضوابط شهرسازی، تدوین پرسشنامه و جمع‌آوری وضعیت کلی محله به همراه نظرات و پیشنهادهای شهروندان ساکن محله و تحلیل نتایج حاصل از آن با رویکرد سنجش مکان، تأمین سرزندگی و امنیت به عنوان هدف‌های راهبردی کلان، با استفاده از روش‌های گفته‌شده، برای محله خیام شهر ایلام پیشنهاد گردید. در نهایت نیز مجموعه‌ای از راهبردها و سیاست‌های اجرایی در قالب برنامه‌ریزی راهبردی با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل سوات در سطح محله ارائه شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که زیباسازی محیط محله، تأسیس شورایی محله، ایجاد مراکز تجاری، ایجاد پارک محله و نورپردازی فضاهای عمومی، مهمترین خواسته‌های مردم در مورد ساماندهی مشکلات اجتماعی و فرهنگی محله است.

واژگان کلیدی: محله، شهرسازی مشارکتی، مشارکت مردمی، هویت، محله خیام، شهر ایلام.

مقدمه

قرن بیستم، قرن تحول در تمام علوم و نظریه‌ها بود. در ابتدای این قرن، نظریه‌های شهرسازی به طور عمده کالبدمحور بود و ابعاد دیگر شهر، همچون ابعاد اجتماعی و فرهنگی در فرایند برنامه‌ریزی، کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. با چنین رویکردی، برنامه‌ریزان شهری نیز در عمل، فعالیت‌های خود را ناظر به بخش کالبدی شهرها می‌نمودند و تصور بر این بود که با حل مسائل کالبدی، بسیاری از مشکلات شهرها نیز قابل حل خواهد بود. نتایج چند دهه اقدامات عملی شهرسازی نشان داد که در عمل، شهرها با مشکلات عدیده اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی مواجه شدند (تیلور، ۱۹۹۹: ۱۱). «در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی، شیوه برنامه‌ریزی کالبدمحور که نواحی گسترده‌ای از شهر را مورد تخریب، پاکسازی و بازتوسعه قرار می‌داد، به دلیل نداشتن حساسیت اجتماعی، مورد انتقاد گسترده قرار گرفت. انتقاد از نظریه‌های کالبدمحور، منجر به شکل‌گیری نظریه‌های جایگزین دیگری شد که هم کارکردهای اجتماعی - اقتصادی و هم ساختارهای کالبدی را مورد توجه قرار می‌داد. بر اساس تفکر راهبردی و دیدگاه ساختاری - عملکردی و به دنبال آن از دهه ۱۹۶۰ میلادی به این سو، رویکرد توجه به مباحث اجتماعی و فرهنگی به تدریج در دستور کار نظام برنامه‌ریزی شهری برخی از کشورها قرار گرفت. در نیمه دوم قرن بیستم، زمینه‌های اولیه پرداختن به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی در شهرسازی فراهم شد» (الکساندر، ۱۹۹۲: ۴۰).

«در حوزه عمل برنامه‌ریزی، طی سه دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی، برنامه‌ریزی شهری از یک نگاه کاملاً نخه‌گرایانه به یک مدل مشارکتی رسید. در حوزه نظری نیز و در تلاش برای رهایی از انفعال، چشم‌اندازهای مختلفی پیش رو بود؛ اما گرایش به جلب مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی به همراه انتقادات شدید از نظام سیاسی، اقتصادی، لیبرالیستی و نوکلاسیک سبب شد تا توجه برنامه‌ریزان به به‌کارگیری نظریه کنش ارتباطی جلب شود» (هیلی، ۱۳۸۸: ۳۷). برنامه‌ریزی ارتباطی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از شهرسازی مشارکتی در مخالفت با چنین رویه‌ای، روی به سوی احیای حوزه عمومی دارد؛ یعنی شیوه‌ای که حاوی گفتگوهای ارتباطی باشد و زمینه را برای همراهی‌سازی فراهم کند (ویکلاند، ۲۰۰۵: ۲۴۷). «برنامه‌ریزی ارتباطی را می‌توان یکی از نظریه‌های مطرح از دهه ۱۹۹۰ به این سو قلمداد کرد. این نظریه با فاصله گرفتن از

رویکردهای خردگرایانه و فردباورانه دهه‌های پیشین، روزه‌ای است به سوی رویکردهای اجتماع‌محور که از فرایندهای پایین به بالا با تأکید بر مقیاس محلی در برنامه‌ریزی حرکت می‌کند» (عبدی دانشپور، ۲۰۰۸: ۴۴۶).

امروزه در کشورهای در حال توسعه، مشارکت، موضوعی نیست که در نظریه، بررسی و تصویب شود؛ بلکه در عمل، معلوم شده است که حل انبوه مسائل و مشکلات جامعه شهری و روستایی، بدون مشارکت مردم میسر نیست (پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۳۳۵). مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند؛ فرایندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن اهداف معین که منجر به سهم شدن آنها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند (غفاری، ۱۳۸۰: ۴۲). مشارکت یعنی همکاری همراه با کنترل شهروندان و سهم شدن در قدرت و در فرایند تهیه طرح‌ها؛ چراکه توانمندسازی اجتماعات، هدف غایی مشارکت است (ساناف، ۲۰۰۰: ۲۱۷).

در یکی دو دهه اخیر، تلاش‌های فراوانی جهت برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در خردترین واحد، یعنی «محله» صورت گرفت (فریدمن، ۱۹۶۶: ۶۶) که در ایران در حد تئوری باقی ماند. در حال حاضر نیز با توجه به پیچیدگی و تنوع مشکلات شهری و ناتوانی مدیران برای برخورد جامع با آنها، تأکید بر برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری از جمله محله و واحد همسایگی است (محمدی و پاشازاده، ۱۳۹۳: ۴۵). به علاوه، نقش عوامل بیرونی مانند مهاجرت در ناپداری محلات و بحران هویت محله‌ای شایان توجه است (کلانتری و درخشانی، ۱۳۹۳: ۴). محلات نوپدید شهری در مقایسه با محله‌هایی که سابقه شهرنشینی بیشتری دارند، از نظر اغلب شاخص‌ها، بخصوص شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی وضعیت ناپایداری دارند (موحد و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۵۷).

«حضور شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری و نزدیکی آنها به مسئولان و متخصصان و دستیابی هرچه سریع‌تر به خواسته‌ها و نیازهایشان مطابق با شرایط زندگی و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از طریق فرایند شهرسازی مشارکتی میسر می‌شود» (خادم‌الحسینی و عارفی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۲۳). محله خیام ایلام با وجود اصالت، هویت و داشتن پیشینه ساخت در میان سایر محله‌های شهر ایلام، نقاط ضعف و معضلاتی دارد که به علت ناکارآمدی

طرح‌های شهری، عدم توجه به نیاز ساکنان، نبود عدالت اجتماعی و غیره ایجاد شده‌اند. روانشناسی محیطی، مؤید تأثیر محیط و کالبد نامناسب بر رفتار و روان ساکنان است، همانگونه که در محله خیام، معضلی مثل اعتیاد و فروش مواد مخدر مشاهده می‌شود.

بدون شک با برنامه‌ریزی مشارکتی و بهره‌گیری از مشارکت ساکنان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، می‌توان راه حل مناسبی را برای معضلات اجتماعی- فرهنگی این محله تجویز کرد. در این پژوهش، برنامه‌ها و راهکارهایی برای ساماندهی اجتماعی- فرهنگی محله‌ها با تأکید بر مشارکت اهالی تنظیم می‌شود که می‌تواند به عنوان پایه‌هایی اصلی برای سیاست‌های ساماندهی محدوده‌های سکونتی قلمداد گردد. راهکارهای این پژوهش که می‌توانند راهنمای مداخله‌گران و تصمیم‌گیران توسعه باشند، شفاف، ساده، خوانا، مبتنی بر دیدگاه‌های محلی و منطبق با ویژگی‌های بومی هستند. در چنین پژوهشی، کیفیات و ویژگی‌هایی که از نظر ساکنان در محله واجد ارزش است، توصیف می‌شود.

پیشینه تحقیق

در گام نخست باید خاطر نشان کرد که در پژوهش‌های انجام‌شده، تا کنون به شهرسازی مشارکتی، توجه چندانی نشده و این موضوع همواره در کنار سایر مباحث برنامه‌ریزی شهری و به صورت عناوین فرعی مطرح شده است؛ بنابراین، نگارنده نتوانست به منابع زیادی که به طور مستقل به موضوع شهرسازی مشارکتی با تأکید بر محله‌محوری پرداخته باشند، دست یابد. در ادامه، به تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته است یا به نوعی به موضوع تحقیق نزدیک می‌باشد اشاره می‌شود:

جمشیدزاده (۱۳۸۲) در پژوهش خود با عنوان «مدیریت شهری، اهداف و راهبردها»، با نگاهی به وظایف مدیریت شهری و ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت شهروندان، به بررسی نقش و وظایف مدیران شهری بخصوص شهرداری‌ها در ارتباط با مشارکت محلات پرداخته و به این نتیجه رسیده است که شهرداری‌ها برای اداره بهتر شهر می‌بایست به انجام کارهایی چون مقررات‌زدایی، اصلاح نظام حقوقی مربوط به حوزه وظایف خود و تمرکززدایی قدرت‌های مدیریت شهری پردازند و به مدیریت محلی و مشارکت ساکنان آنجا در اجرای طرح‌ها بیشتر اهمیت دهند.

حبیبی و سعیدی رضوانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران»، به بررسی نظریه‌های شهرسازی مشارکتی و تلفیق آن با شرایط ایران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که شهرسازی ایران در مواردی که داعیه مشارکتی بودن دارد، کاملاً منطبق با شرایط مشارکت شعاری است و هنوز با اولین مراحل مشارکت واقعی فاصله دارد.

حاجی‌پور (۱۳۸۵) در پژوهش خود با عنوان «برنامه‌ریزی محله‌مبنا؛ رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار»، به بررسی نقش و جایگاه رهیافت محله‌مبنا به منظور استفاده از آن در نظام برنامه‌ریزی و اداره مدیریت شهری پرداخته و به این نتیجه رسیده است که برنامه‌ریزی محله‌مبنا در جستجوی تعامل اجتماعی است و مشارکت بازیگران محلی را در دستور کار خود قرار می‌دهد و بیشتر حالت تسهیل‌کننده و هماهنگ‌کننده دارد تا مداخله‌گر.

در پژوهش شیلپی^۱ و تانجیل^۲ (۲۰۱۶) با عنوان «مشارکت مردم: عمل برنامه‌ریزی در یک شهر جهان سوم (مورد مطالعه: شهرستان خولنای بنگلادش)»، سعی شده است اهمیت مشارکت مردم در طرح‌های شهری شناخته شود؛ به همین دلیل در طراحی و ساختار طرح‌های شهری، برخی نظرات در مورد مشارکت مردم به عنوان توصیه‌های سیاست عمومی در نظر گرفته شده است. این سیاست‌ها نشان می‌دهد که مشارکت جامعه می‌تواند راه حل بحران‌ها در ساخت محیط شهری باشد.

در تحقیقاتی که مونتالوو^۳ (۲۰۰۸) انجام داده است، میزان مشارکت مردم در امور شهری در حد متوسط رو به پایین است و مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت در این تحقیقات، شامل پایگاه اجتماعی و اقتصادی، اعتماد اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، نوع مالکیت منزل و میزان آگاهی می‌باشد.

آمادو و همکاران^۴ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی پایدار شهری»، برنامه‌ریزی شهری به‌ویژه در مناطقی که دارای چشم‌اندازهای حفاظت‌شده هستند را مستلزم افزایش نقش مشارکتی عموم

1. Shilpi

2. Tanjil

3. Montalvo

4. Amado, Santos, Moura, Silva

مردم در چارچوب قابلیت فرایند برنامه‌ریزی پایدار می‌داند که نتیجه آن، ایجاد یک برنامه‌ریزی مداوم، تعاملی و یکپارچه مشارکتی خواهد بود. آنایا گونزالس^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی شهری مشارکتی یک چالش در منطقه مونتری آمریکا» به شناسایی و بررسی مقررات مشارکت شهروندان در شهر مونتری آمریکا پرداخته است. وی اعتقاد دارد که این مقررات یک روش کلی ارائه شده توسط دولت به‌عنوان فرم پایدار مشارکت شهروندی در ارتباط با طرح‌های توسعه شهری می‌باشد.

روش تحقیق

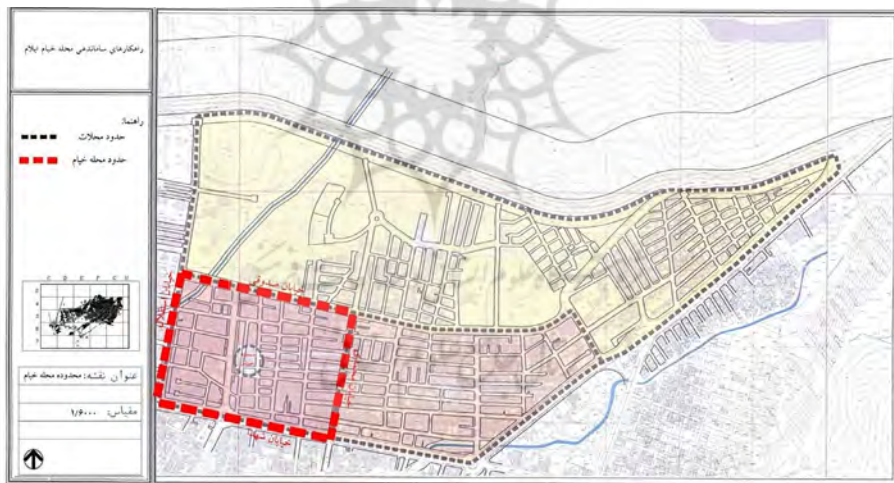
ماهیت این پژوهش، کاربردی است و در آن از روش‌های کمی برای شناخت محدوده مطالعه و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور ارائه نتایج استفاده شده است؛ بنابراین روش کلی حاکم بر آن، توصیفی و تحلیلی می‌باشد که هم به صورت قیاسی (بخش تدوین مبانی نظری و جمع‌بندی آن) و هم به صورت استقرایی (تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری) به کار گرفته شده است. روش کلی یافته‌اندوزی نیز تدوین پرسشنامه، مشاهده میدانی و مطالعه اسناد و طرح‌های موجود شهری بوده است. به این منظور، مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی بر اساس مشاهده و تهیه پرسشنامه تدوین شدند. تدوین پرسشنامه نیز با هدف دستیابی به مؤلفه‌ها و پیشنهادهای ساکنان محله به منظور به‌کارگیری در تدوین مجموعه راهکارهای پیشنهادی نهایی، صورت گرفته و اساس تدوین پرسش‌ها، تکنیک «مکان‌سنجی»^۲ بوده است. این تکنیک «برای مشارکت دادن مردم در سنجش کیفیت مکان‌های شهری در سال ۲۰۰۰ از طرف اتحادیه شهرسازی بریتانیا تدوین شده است» (گلکار، ۱۳۸۴: ۲)؛ چنانکه گفته شد، از پرسشنامه به‌عنوان مبنای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ساکنان محله استفاده گردیده و روش نمونه‌گیری هم تصادفی منظم بوده است؛ به همین دلیل محله با توجه به جمعیت آن و با استفاده از فرمول کوکران، به ۶ محدوده یا بلوک تقسیم شد و ۱۲۰ پرسشنامه میان ساکنان آن توزیع گردید.

1. Anaya Gonzalez
2. Place Check

محدوده و قلمرو پژوهش

شهر ایلام، مرکز استانی به همین نام، با جمعیت ۲۳۵ هزار و ۱۴۴ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که در ارتفاع متوسط ۱۴۴۰ متر از سطح دریا در غرب ایران و در دامنه های جنوب غربی کوه های زاگرس قرار دارد.

مقیاس تحلیل در این پژوهش، محله شهری و محدوده مطالعاتی آن، ناحیه ۴ از منطقه یک طرح تفصیلی مصوب ۱۳۸۵ ایلام می باشد که به استانداری نیز معروف است و در شمال شرق ایلام، در دامنه ارتفاعات واقع می باشد. این محله از شمال به خیابان صدوقی، از غرب به خیابان استقلال، از جنوب به خیابان شهدا و از شرق به خیابان شهید محمدی محدود است (شکل شماره ۱). جمعیت ساکن در این محله ۳۶۰۰ نفر، مساحت آن ۱۶/۱ هکتار و بعد خانوار آن ۶/۱ می باشد (مهندسین مشاور بعد تکنیک، ۱۳۸۵: ۲۰). محله خیام، یکی از قدیمی ترین محله های شهر ایلام است که در میانه دهه ۱۳۳۰ خورشیدی ایجاد شده است (همان: ۲۱).



شکل شماره (۱). نقشه محدوده مورد مطالعه (منبع: نگارنده)

عمده کاربری موجود در محله، مسکونی است و کاربری های فضای سبز، ورزشی و بهداشتی در سطح محله وجود ندارد.

تدوین مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های پژوهش

در این پژوهش، اصول و معیارهای اولیه تحقیق بر اساس رویکرد «محله پایدار»، تعریف و مشخص می‌شود. معیارها و شاخص‌های نهایی با توجه به رویکرد مشارکتی تحقیق، با استفاده از آرا و نظرات مردم محله به دست می‌آید. جهت ساماندهی محله با رویکرد مشارکتی، یک نوع مؤلفه پیش روی نگارنده است: مؤلفه اجتماعی- فرهنگی. این مؤلفه، معیارهای خاصی دارد که توسط شاخص‌های مشخصی، کمی و قابل اندازه‌گیری می‌شوند. پروسه مشارکت دادن ساکنان در این پژوهش بر اساس روش CAP^۱ می‌باشد. در سال ۲۰۱۰ ریچارد گوترد و نابل حمدی یک برنامه‌ریزی جهت مشارکت اجتماعات^۲ ارائه کردند. اساس این رویکرد، قدرت دادن به جوامع جهت طراحی، اجرا و مدیریت سکونتگاه‌های خود می‌باشد و این بر اساس پروسه مشارکتی از پایین به بالا جهت رفع مشکلات است. هدف از این روش نیز ایجاد برنامه توسعه با فهرستی از مشکلاتی که می‌بایستی حل شوند و ارائه راهبردهایی جهت حل تک تک این مشکلات است (کلیموا، ۲۰۱۰: ۳۵). در جدول شماره (۱) مراحل اجرای این روش در میان اجتماعات محلی مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۱). مراحل رویکرد CAP توسط گوترد و حمدی

مرحله ۱	شناسایی و اولویت مشکلات: مشکلات چه هستند؟
مرحله ۲	راهبردها، سیاست‌ها و جایگزین‌ها: چه رویکرد و فعالیت‌هایی مناسب‌ترین راه رسیدگی به مشکلات هستند؟
مرحله ۳	برنامه‌ریزی برای اجرا: چه کسی، چه چیزی، کی و چگونه مسیر را طی کردن؟
مرحله ۴	نظارت: چگونه کیفیت کار و چه چیزهایی می‌آموزیم؟

منبع: (کلیموا، ۲۰۱۰: ۳۵)

با استفاده از مشارکت ساکنان و توزیع ابزار پرسشنامه در میان ۱۲۰ نفر از آنان، مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی محله به دست آمد. از آنجا

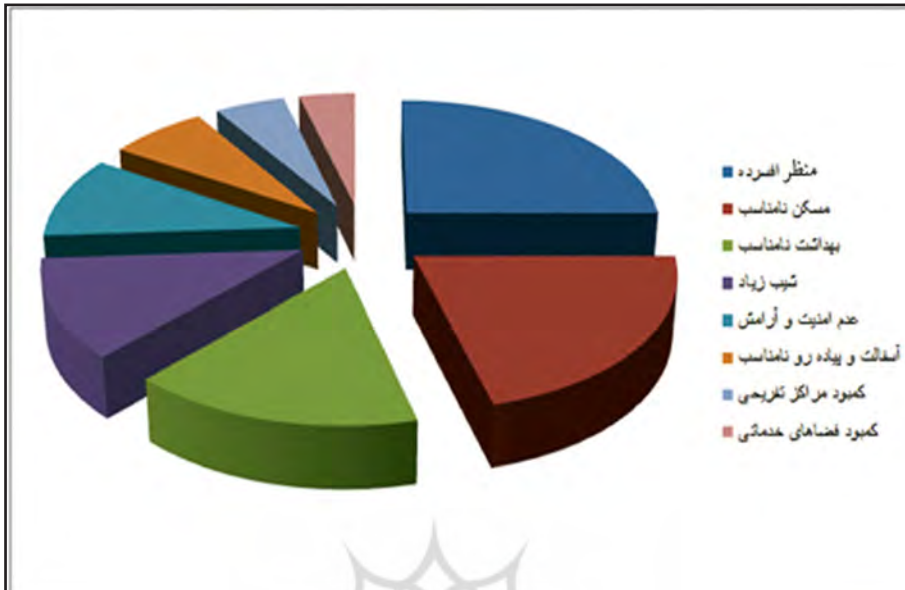
1. Community Action Planning
2. CAP

که جمعیت کل محله، ۳۶۰۰ نفر است و بعد خانوار، ۵ در نظر گرفته شده است، نسبت این دو عدد، ۷۲۰ می‌باشد. چون روش نمونه‌گیری، تصادفی منظم است، با تقسیم محله به ۶ زون یا بلوک، تعداد پرسشنامه‌ها ۱۲۰ عدد در نظر گرفته شد. سؤالات پرسشنامه نیز بر اساس سنجش اولیه وضعیت می‌باشد و هدف، آسیب‌شناسی اولیه است. اساس تدوین این سؤالات هم تکنیک مکان‌سنجی می‌باشد و این، تکنیکی است جهت مشارکت مردم در سنجش کیفیت مکان‌های شهری که توسط رابرت کوان در سال ۲۰۰۰ میلادی از طرف «اتحاد طراحی شهری انگلستان» تدوین شده است. در اجرای تکنیک مکان‌سنجی، بدون شک افراد گوناگون گروه پاسخ‌های متفاوتی به برخی از سؤالات خواهند داد. در اصل چک‌لیست مکان‌سنجی، وسیله‌ای است که به مردم کمک می‌رساند تا دیدگاه‌های یکدیگر را بهتر درک کنند و به مباحث گسترده و شفاف برای یافتن زمینه‌های مشترک دامن زنند؛ بنابراین روح و ارزش تکنیک مکان‌سنجی در درگیر ساختن «مردم» در فرایند شناخت مسائل محیط است؛ مردمی که متأسفانه به طور معمول در این گونه مواقع مورد غفلت قرار می‌گیرند و دیده نمی‌شوند. در پاسخ به مهمترین مشکلات محله، نتایجی مطابق با جدول شماره (۲) و نمودار شماره (۱) به دست آمد.

جدول شماره (۲). مهمترین مشکلات محله خیام از دیدگاه ساکنان

مشکل	منظر افسرده	مسکن نامناسب	بهداشت نامناسب	شیب زیاد	عدم امنیت و آرامش	آسفالت و پیاده‌رو نامناسب	کمبود مراکز تفریحی	کمبود فضاهای خدماتی
درصد	۲۵	۲۱	۱۶	۱۲	۱۰	۷	۵	۴

منبع: (نگارنده)



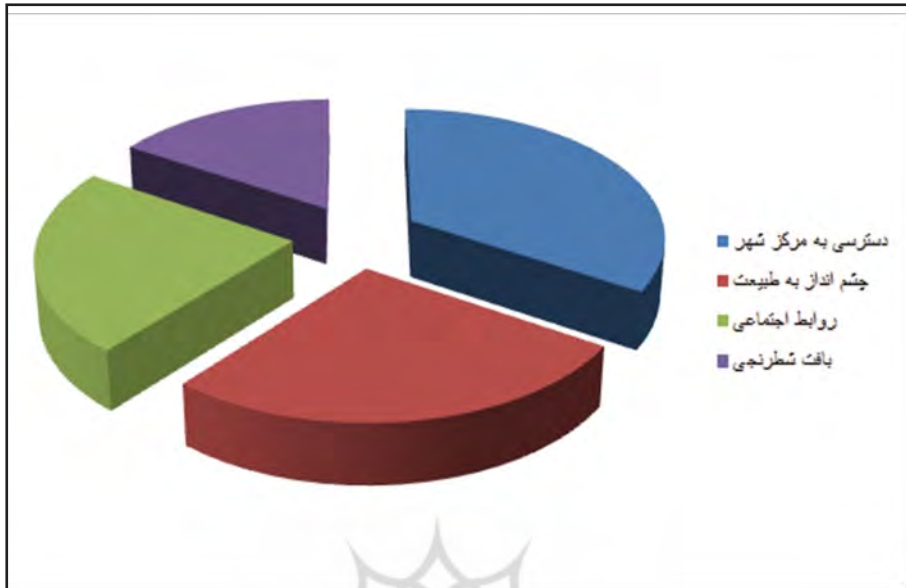
نمودار شماره (۱). مهمترین مشکلات محله خیام از دیدگاه ساکنان منبع: (نگارنده)

در پاسخ به نقاط قوت و جذاب محله، نتایجی مطابق با جدول شماره (۳) و نمودار شماره (۲) به دست آمد.

جدول شماره (۳). مهمترین نقاط قوت محله خیام از دیدگاه ساکنان

نقاط قوت	دسترسی به مرکز شهر	چشم انداز طبیعی	روابط اجتماعی	بافت شطرنجی
درصد	۳۴	۲۷	۲۳	۱۶

(منبع: نگارنده)



نمودار شماره (۲). مهمترین نقاط قوت محله خیم از دیدگاه ساکنان منبع: (نگارنده)

نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها، این اصل مهم را اثبات کرد که وجود نیروی متخصص برای تشخیص و تحلیل معضلات شهری و ارائه راهکار برای حل آنها به تنهایی کافی نیست و بدون مشارکت مردم، این امر محقق نخواهد شد. چنانچه مشاهده شد، در معیارها و شاخص‌های اولیه، مسائل مهمی مانند فرهنگ، رفاه، بستر فیزیکی و ... مربوط به محله خیم، لحاظ نشده بود؛ بنابراین با تکیه بر مشارکت مردم و علم برنامه‌ریزی شهری می‌توان طرح‌های شهری‌ای ارائه نمود که هم به واقعیت بسیار نزدیک هستند و هم در اجرا امکان شکست خوردن آنها بسیار پایین است. در جدول شماره (۴) معیارها و شاخص‌های نهایی پژوهش، بر اساس نتایج و تحلیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات مکانی و برداشت میدانی ارائه می‌شود.

جدول شماره (۴). معیارها و شاخص های اولیه تحقیق

مفهوم	مؤلفه ها	معیارها	شاخص ها	نحوه کسب اطلاعات
باز یابی مؤلفه های اجتماعی و فرهنگی محله خیام ایلام	فرهنگی - اجتماعی	سرزندگی	فضاهای عمومی	پرسشنامه
		هویت محله	رویدادهای خاص	پرسشنامه
			نظر ساکنان	
		حس تعلق به مکان	نظر ساکنان	پرسشنامه
		مشارکت	فعالیت های جمعی	پرسشنامه
		امنیت	میزان جرم	پرسشنامه
			دسترسی به فضاهای امن و سالم	
			شناخت غریبه	
			میزان نظارت ساکنان بر عرصه های عمومی	

منبع: (نگارنده)

تجزیه و تحلیل داده ها

بر مبنای معیارها و شاخص های تعیین شده در این پژوهش و با استفاده از نتایج حاصل از پرسشنامه و مشارکت ساکنان محل، به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته می شود و پس از آزمون فرضیه ها، راهبردها و سیاست های اجرایی جهت ساماندهی اجتماعی- فرهنگی محله خیام صادر می گردد. از میان پرسشنامه های توزیع شده، ۹۹ پرسشنامه (۸۲/۵ درصد) به طور قابل قبول پاسخ داده شدند؛ بیشتر پرسش شوندهگان، محله را فاقد امکانات تفریحی و رفاهی دانستند. در این محله، مسجد وجود دارد. نوع ارتباطات میان ساکنان بیشتر به صورت خانوادگی است.

در بررسی عوامل هویت ساز محله هم ۴۸/۴ درصد مردم، قدمت محله و ۲۳/۵ درصد، فرهنگ ساکنان را عامل اصلی دانستند و ۲۹/۲ درصد از ساکنان نیز محله خود را فاقد هویت ارزیابی کردند. بیش از ۶۵ درصد از مالکان واحدهای مسکونی محله در سن ۴۰ تا ۷۰ سالگی قرار دارند و قدمت سکونت آنها در آنجا بین ۲۰ تا ۳۰ سال ارزیابی می شود و این، تمایل بالای (بیش از

۷۵ درصد) آنها به ماندگاری در میان ساکنان محله را نشان می‌دهد. در بخش سنجش وضعیت مشارکت اجتماعی ساکنان هم مشاهده شد که ۶۱/۶ درصد از پاسخ-دهندگان در سطح همکاری با هیأت مذهبی، ۸۳/۵ درصد در سطح همکاری با انجمن اولیا و مربیان مدرسه و ۳۰ درصد در سطح همکاری با شورای شهر بوده‌اند. تشکل مدنی دیگری در سطح این محله فعالیت ندارد؛ همچنین این محله فاقد فضای تعامل اجتماعی است و این مشکل تا حدی است که در محله مسجد نیز وجود ندارد. در بخش سنجش وضعیت امنیت هم به نظر ۸۷/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان، محله، فاقد امکان دسترسی به فضاهای امن و سالم به هنگام وقوع جرم است و از لحاظ وقوع بزهکاری، ۶۷/۶ درصد ساکنان، اعتیاد؛ ۲۱/۲ درصد، ولگردی و ۷/۷ درصد آنان، دزدی را عمده بزه‌های ارتكابی در محله دانسته‌اند. ۷۴/۷ درصد از آنان نیز معتقد بودند که نظارت عمومی بر عرصه‌های همگانی محله وجود ندارد؛ چنانکه ورودی‌های محدود و گوشه‌های دور از دید در سطح محله از عوامل ایجادکننده مانع برای نظارت عمومی در فضا هستند. در مجموع، حدود ۱۰ درصد از پرسش‌شوندگان، عدم وجود امنیت و آرامش را مهمترین مشکل محله می‌دانند.

تدوین راهبردها و سیاست‌های اجرایی

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، مرحله تدوین راهبردها فرا می‌رسد. از جمله روش‌هایی که به این منظور به کار می‌رود، ماتریس سوات^۱ است. این ابزار تحلیلی بسیار کارآمد، برای شناسایی و تحلیل محیط درونی و بیرونی یک سیستم به کار برده می‌شود و از حروف ابتدایی مفاهیم Strength (قوت)، Weakness (ضعف)، Opportunity (فرصت) و Threat (تهدید) تشکیل شده است. در این ماتریس، مفاهیم «قوت» و «ضعف» به محیط درون سیستم و «فرصت» و «تهدید» به محیط بیرون سیستم مربوط می‌شود (گلکار، ۱۳۸۴: ۲۹).

هر یک از کیفیت‌های سیستم شهری از نظر ماهیت می‌تواند مطلوب یا نامطلوب و از نظر فعالیت، ممکن است بالقوه یا بالفعل باشد (همان: ۳۰).

1. SWOT

جدول شماره (۵) ماتریس سوات تحلیل کالبد محله که از پرسشنامه و مشاهده مستقیم، استخراج شده است را ارائه می دهد.

جدول شماره (۵). ماتریس سوات تحلیل وضعیت اجتماعی- فرهنگی موجود محله خیام

ضعفها	قوتها
<ul style="list-style-type: none"> • منظر شهری افسرده و نامناسب • نبود فضای سبز محله‌ای • نبود فضاهای شهری سرزنده • نبود فضاهای منحصر به فرد و هویت بخش • نبود فضاهای گفتگو و تعامل • نبود امنیت و آرامش 	<ul style="list-style-type: none"> • منظره طبیعی دلپذیر • حس تعلق به مکان در ساکنان
تهدیدها	فرصت‌ها
<ul style="list-style-type: none"> • ساخت و سازهای جدید با ساکنان غیربومی • بالا بودن میزان تخصیص زمین به کاربری مسکونی 	<ul style="list-style-type: none"> • خانه‌های ارزان قیمت و نامناسب • انگیزه نسبی مشارکت در ساکنان • چشم انداز زیبای طبیعی

منبع: (نگارنده)

در جدول شماره (۶) مهمترین نظرات مردم در مورد ساماندهی مشکلات اجتماعی و فرهنگی محله، بر اساس پرسشنامه‌های توزیع شده ارائه می شود.



جدول شماره (۶). جمع‌بندی نتایج حاصل از نظرات مردم در مورد
ساماندهی اجتماعی - فرهنگی محله

نقاط ضعف	پیشنهاد‌های مردم
منظر افسرده و نامناسب	<ul style="list-style-type: none"> • پروژه‌های زیباسازی محیط محله • زیباسازی محیط با عناصر طبیعی و مصنوع • مشارکت مردم در زیباسازی و بهداشت محیط و منظر
کمبود فضای سبز	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد پارک محله با سرانه فضای سبز مناسب • گیاه و درختکاری
نبود فضاهای شهری سرزنده	<ul style="list-style-type: none"> • مراکز تجاری با رونق اقتصادی • فضاهای تفریحی و ورزشی
نبود فضاهای منحصر به فرد و هویت‌بخش	<ul style="list-style-type: none"> • احداث حسینیه محله
نبود فضاهای گفتگو و تعامل	<ul style="list-style-type: none"> • تأسیس ساختمان شورای محله
عدم امنیت	<ul style="list-style-type: none"> • نورپردازی فضاهای عمومی • حضور فعالیت بیشتر بخصوص فعالیت‌های تجاری در محله

منبع: (نگارنده)

پس از ارائه ماتریس سوات و پیشنهاد‌های مردم، اکنون می‌توان به تدوین راهبردها پرداخت. ماتریس سوات، امکان تدوین چهار انتخاب یا راهبرد متفاوت را فراهم می‌آورد؛ البته در جریان عمل ممکن است برخی از راهبردها با یکدیگر همپوشانی داشته باشند یا به طور همزمان و هماهنگ با یکدیگر به اجرا درآیند. بر حسب وضعیت سیستم، چهار دسته راهبرد (مطابق با جدول شماره ۷) را که از نظر درجه کنشگری متفاوت هستند، می‌توان تدوین کرد (گلکار، ۱۳۸۴: ۳۰).

جدول شماره (۷). راهبردهای چهارگانه بر اساس تحلیل سوات

سیستم		محیط داخلی	
		قوت‌ها	ضعف‌ها
محیط خارجی	فرصت‌ها	راهبرد تهاجمی (حداکثر - حداکثر)	راهبرد انطباقی (حداقل - حداکثر)
	تهدیدها	راهبرد اقتضایی (حداکثر - حداقل)	راهبرد دفاعی (حداقل - حداقل)

منبع: گلکار، ۱۳۸۴: ۳۱

می‌توان اهداف خرد پروژه را عبارت دانست از: منظر زیبا و جذاب، محیط سالم و سبز، سرزندگی، هویت و امنیت. در جدول شماره (۸) راهبردهای چهارگانه با هدف ساماندهی اجتماعی- فرهنگی بر اساس تحلیل ماتریس سوات (جدول شماره ۷) ارائه می‌شود.

جدول شماره (۸). راهبردهای چهارگانه با هدف ساماندهی اجتماعی- فرهنگی محله خیام

		محیط داخلی	
		S	W
محیط خارجی	O	<ul style="list-style-type: none"> راهبردهای تهاجمی (SO): حفظ منظر طبیعی دلپذیر حفظ و بازنمایی حس تعلق به مکان نوسازی و بازسازی خانه‌های ارزان قیمت ایجاد فضاهای گردهمایی و گفتگو 	<ul style="list-style-type: none"> راهبردهای انطباقی (WO): زیباسازی و بهبود وضعیت منظر محله ایجاد فضای سبز محله‌ای محله با فضاهای سرزنده محله با هویت کالبدی محله با مشارکت فعال ساکنان محله‌ای امن و آرام تداوم دید به طبیعت
	T	<ul style="list-style-type: none"> راهبردهای اقتضایی (ST): محله‌ای با مرکز پویا و سرزنده تنوع کاربری‌های محله 	<ul style="list-style-type: none"> راهبردهای دفاعی (WT): محله‌ای سرسبز با هوای پاک تعدیل کاربری‌های محله

منبع: (نگارنده)

در جدول شماره (۹) با توجه به راهبردهای پژوهش، سیاست‌های اجرایی جهت ساماندهی اجتماعی- فرهنگی محله خیام تدوین می‌شود.

جدول شماره (۹). تدوین سیاست‌های اجرایی با هدف ساماندهی اجتماعی- فرهنگی محله خیام

سیاست اجرایی	راهبرد
<ul style="list-style-type: none"> استفاده از رنگ و نور و روشنایی در پروژه‌های زیباسازی زیباسازی محله با عناصر طبیعی مانند فضای سبز، آب و غیره نماسازی‌ها و کف‌سازی‌های مناسب بدنه و بستر خیابان‌های محله مشارکت مردم محله در زیباسازی و بهداشت محیط و منظر استفاده از مبلمان و تجهیزات شهری 	زیباسازی و بهبود وضعیت منظر محله
<ul style="list-style-type: none"> ایجاد عرصه‌های باز همگانی، جهت برگزاری مراسم و آیین‌های خاص محلی اختلاط کاربری‌ها و فعالیت‌های محله‌ای ایجاد مرکز محله با رونق اقتصادی مکان‌یابی و ایجاد فضاهای تفریحی، فراغت و ورزش محله‌ای 	محله با فضاهای سرزنده
<ul style="list-style-type: none"> ایجاد میدان خاص و نمادین محله ایجاد محوری نمادین و جلب‌کننده برای عموم ایجاد مراکز مذهبی در محله (مسجد، حسینیه) استفاده از شیوه معماری بناها و سازه‌ها و فرم مصالح محلی به عنوان منبع الهام ساخت و سازه‌های جدید 	محله با هویت کالبدی
<ul style="list-style-type: none"> ایجاد شوراییاری محله حمایت از ایجاد تشکل‌های مردمی غیردولتی در محله ایجاد مرکز گردهمایی در محله (مسجد) 	محله با مشارکت فعال ساکنان
<ul style="list-style-type: none"> نورپردازی فضاهای عمومی حضور فعالیت‌های بیشتر بخصوص فعالیت‌های تجاری در سطح محله ایجاد فضاها و مسیرهای حرکتی و به هم پیوسته در محله همجواری مراکز خدماتی با فضاهای شهری در مقیاس محله جهت نظارت اجتماعی ایجاد ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا جهت نظارت ساکنان 	محله‌ای امن و آرام

منبع: (نگارنده)

کاربری‌ها و نقشه پیشنهادی

در ادامه با لحاظ کردن سطح و سرانه های مورد نظر در طرح‌های مصوب و استانداردهای تعریف‌شده و جمعیت پیش بینی شده طرح مصوب برای افق طرح، سطح و سرانه کاربری های پیشنهادی و نقشه توزیع فضایی کاربری های مذکور برای محله خیام، به شرح جدول شماره (۱۰) و شکل شماره (۲) تنظیم و ارائه می شود.

جدول شماره (۱۰). کاربری های پیشنهادی محله

توضیحات	سطح عملکردی	مساحت (مترمربع)	کاربری پیشنهادی	
اشتغال‌زایی برای ساکنان	محله- ناحیه	۸۰۰	مرکز محله	تجاری
رفع نیازهای ساکنان محله	واحد همسایگی	۲۸۰	خرده‌فروشی	
-	محله	۷۲۰	پیش‌دبستان	آموزشی
حسینیه محله	محله	۵۰۰	مذهبی	
شورای محله، کتابخانه	محله	۴۰۰	فرهنگی	
درمانگاه محله، شامل پزشک، دندانپزشک، واکسیناسیون و داروخانه	محله	۷۰۰	درمانی	
فضای عمومی تغییرپذیر مطابق فرهنگ و سلیقه مردم، محل برگزاری تجمعات و آیین‌های اجتماعی- فرهنگی، فضای باز تفریحی	محله- ناحیه	۱۰۰۰	فضای باز همگانی	
-	محله	۱۰۰۰	فضای سبز	
شامل فضاهای تفریحی - ورزشی	محله - ناحیه	۴۷۰۰	پارک محله‌ای	

منبع: (نگارنده)



شکل شماره (۲). کاربری های پیشنهادی و توزیع فضایی آنها در محله خيام (منبع: نگارنده)

نتیجه گیری و پیشنهادها

در تحقیق حاضر با توجه به شرایط محله خيام و با رویکردی مشارکتی، به بازیابی مؤلفه های فرهنگی و اجتماعی محله خيام پرداخته شد. بر این اساس از طریق پرسشنامه و مصاحبه با مردم، مهمترین مشکلات فرهنگی-اجتماعی این محله معلوم گردید و معیارهای ساماندهی آن، شامل: منظر زیبا و جذاب، محیط سالم و سبز، سرزندگی، هویت و امنیت مشخص گردید. در مرحله بعد از طریق پرسشنامه، مردم به ارائه پیشنهادها، راه حل ها و راهبردهایی برای معضلات محله پرداختند و بر این اساس، راهبردها و سیاست های اجرایی و نقشه های پیشنهادی برای ساماندهی محله تنظیم شد. در این رویکرد مشارکتی، از نیروی مشارکت مردم، هم در مرحله آسیب شناسی و هم در ارائه راهبردهای اجرایی استفاده شد و با تشخیص انگیزه مشارکت، زمینه های لازم جهت استفاده از نیروی مشارکتی محله ایجاد گردید. ملاحظه می شود که استفاده از این رویکرد در طرح های شهری با مقیاس کوچک، هم باعث شناخت بهتر و هم ارائه راهبردهای مناسب با توجه به وضعیت، ضعف ها و پتانسیل های موجود مکان می شود.

در جریان تهیه و تدوین این پژوهش، تجربیات بسیار کارا و مفیدی در زمینه طرح های شهری مشارکتی کسب شد. در این راستا می توان پیشنهادات

زیر را ارائه نمود:

۱. با توجه به واقعی، ملموس و کارا بودن طرح‌های شهرسازی مشارکتی، جایگزین کردن طرح‌های شهری با رویکرد مشارکتی و با مقیاس مناسب به جای طرح‌های جامع و تفصیلی موجود شهر ایلام پیشنهاد می‌شود.
۲. پیشنهاد می‌شود در چاقوب مدیریت محله‌محور و افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان، نهاد شورایارن محله‌ها، به عنوان مهمترین عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی در سطح محله‌های شهر ایلام، ایجاد و سازمان‌دهی گردد.
۳. در مورد اجرای این گونه طرح‌های مشارکتی در سطح استان ایلام، علاوه بر تشویق و ایجاد زمینه‌های لازم جهت مشارکت مردم در تهیه طرح‌های شهرسازی، تمهیدات مناسب جهت نظارت بر طرح، اعتراض بر طرح و همکاری مستمر و فراگیر شهروندان ایلامی در طول اجرای طرح باید از سوی مسئولان اجرایی پیش‌بینی شود.
۴. با توجه به انگیزه و توان مالی شهروندان ایلامی، پیشنهاد می‌شود جهت اجرای این‌گونه طرح‌های مشارکتی، نحوه سرمایه‌گذاری طرح توسط بخش خصوصی و داوطلب در گزارش‌های توسعه، مشخص گردد.
۵. در این پژوهش، به ساماندهی بعد فرهنگی - اجتماعی محله خیام با رویکرد مشارکتی پرداخته شد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، ابعاد فنی، اقتصادی و ... ساماندهی محله خیام یا سایر محلات شهر ایلام، تشریح و بررسی گردد.
۶. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های اجتماعی و شهری مربوط به استان ایلام که در آینده انجام می‌شوند، از رویکردهای نوینی مانند برنامه‌ریزی ارتباطی که بسیار پیشرفته‌تر از شیوه‌های مشارکتی موجود در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست، استفاده گردد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجیبی سناجردی؛ (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- جمشیدزاده، ابراهیم؛ (۱۳۸۲)، «مدیریت شهری، اهداف و راهبردها»، ماهنامه

- تدبیر، سال سیزدهم، شماره ۸۶: ۸۹-۱۲۰.
- حاجی پور، خلیل؛ (۱۳۸۵)، «برنامه ریزی محله مینا؛ رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار»، هنرهای زیبا، شماره ۲۶: ۳۷-۴۶.
- حبیبی، سیدمحسن و هادی سعیدی رضوانی؛ (۱۳۸۴)، «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران»، هنرهای زیبا، دوره ۲۴، شماره ۱۰۱۰: ۱۵-۲۴.
- خادم الحسینی، احمد و صفیه عارفی پور؛ (۱۳۹۱)، «شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری»، چشم انداز جغرافیایی، سال هفتم، شماره ۱۹: ۱۰۸-۱۲۳.
- غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۰)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- کلانتری، حسین و نجلا درخشانی؛ (۱۳۹۳)، «راهبردهای پایداری کالبدی اجتماعی در محلات تاریخی (مطالعه موردی: محله عودلاجان شهر تهران)»، مطالعات شهری، شماره ۱۰: ۳-۱۴.
- گلکار، کوروش؛ (۱۳۸۴)، «سنجش مکان در طراحی شهری درآمدی بر تکنیک مکان سنجی»، صفا، شماره ۴۰: ۲۸-۴۸.
- محمدی، علیرضا و اصغر پاشازاده؛ (۱۳۹۳)، «سنجش سطح پایداری محلات شهر اردبیل با تأکید بر محلات با هسته های روستایی»، مطالعات شهری، شماره ۱۱: ۴۹-۶۲.
- مرکز آمار ایران؛ (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران، www.amar.org.ir
- موحد، علی، فرزانه ساسان پور، سجاد قاسمی و موسی کمانرودی؛ (۱۳۹۳)، «بررسی پایداری محله های شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۹ شهرداری تهران)»، پژوهش های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، شماره ۴: ۵۴۱-۵۵۸.
- مهندسین مشاور بعد و تکنیک؛ (۱۳۸۵)، طرح تفصیلی شهر ایلام، سازمان مسکن شهرسازی استان ایلام.
- هیللی، پتسی؛ (۱۳۸۸)، برنامه ریزی مذاکره ای: چرخش ارتباطی در نظریه برنامه ریزی، ترجمه عارف اقوامی مقدم، تهران: آذرخش.



ب) انگلیسی

- Abdi Daneshpour, Zohreh; (2008), An Introduction to Planning Theories - with Special Reference to Urban Planning Theories. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Alexander, Ernest; (1992), Approach to Planning: Introducing Current Planning Theories, Concept and Issues (2ed.), Philadelphia: Gordon and Breach Science Publishers.
- Amado, Morphe, Clara Santos, Ivan Moura and Wogner Silva; (2009), Public Participation in Urban Sustainable Planning, World Academy of Science, Engineering and Technology. No(53): 597-603.
- Anaya Gonzalez, Lorrna; (2009). "Participative Urban Planning A Challenge in Montreys Montropolitan Area":1-24.
- Friedman, John; (1966), Regional development policy, Cambridge: mass mitpress, London.
- Klimova, Zuzana; (2010), Public Participation in Urban Renewal Project, A Chinese Perspective, Lund university center for sustainability studies: 30-37.
- Montalvo, Daniel; (2008), «Citizen Participation in Municipal Meetings, American Barometer Insights, No (4), Vanderbilt University (US-AID): 93-110.
- Sanoff, Henry; (2000), Community participation method in design and planning, Boston: John Wile and sons Publishing.
- Shilpi, Roy, Tanjil, Sowgat; (2016), REGENERATION GUIDELINES FOR THE NEIGHBORHOODS OF KHULNA CITY, BANGLADESH: A Case Study on Housing Tin Tola, International Conference of Sustainable Development, arranged by Center for Sustainable Development (CSD), At University of Liberal Arts Bangladesh, Dhaka, Bangladesh.
- Taylor, Neil; (1999), Town planning social not just Physical Planning, In C.H.Greed (Ed), Social town planning. London: 29-43.
- Wiklund, Holger; (2005), A Habermasian analysis of the deliberative democratic potential of ICT-enabled services in Swedish municipalities, New Media & Society, Vol. 7: 247.